

8 مارس امسال در ایران



در شرایطی به استقبال 8 مارس روز جهانی زن، روز مبارزه زنان علیه فقر و نابرابری، تبعیض و استبداد می رویم که زمانی زیادی از یک خیزش مردمی نمی گذرد، هنوز زنان با شجاعت و جسارت با وجود سرکوبهای حکومت در صحنه اند. در ادامه این مبارزه ما شاهد حضور بی پروا و چشمگیر زنان و دخترانی هستیم که زنان و دختران خیابان انقلاب نام گرفته اند، آنها در خیابان، در سنگر مبارزه برای دستیابی به حقوق خود و برای دستیابی به آزادی به مبارزه برخاسته اند. آنان به "خیابان" آمده اند و با برگرفتن حجاب به حاکمان مرتجع نشان داده اند که ضمن اعتراض خود به چهل سال ستمی که بر آنها روا داشته شده، مبارزات پر صلابت خود را به مبارزات زنان در اسفند ماه ۵۷ علیه حجاب اجباری پیوند می دهند.

این اولین بار نیست که زنان آزاده برای مطالبات و خواسته هایشان به میدان می آیند، در طول سلطه ننگین جمهوری اسلامی زنان همیشه یک پای اصلی این مبارزه بوده اند. تلاش دختران جوان در شکستن تابوها و کلیشه های جنسیتی در جامعه، مبارزه زنان کارگر و خانواده های کارگری، تشکیل صندوق های همیاری زنان، مبارزه با قتل های ناموسی و... تنها بخشی از مبارزات زنان در زندگی روزمره برای دستیابی به بدیهی ترین حقوق سلب شده از ایشان است. اما ستمی که به حد خود رسیده و فریاد زدن آن هر روز گسترده تر خواهد شد، فریاد زنان اسپر کار بدون مزد خانگی قربانی نابرابری فرصت های شغلی و بیکاری رو به افزایش است؛ حرکت و حضور زنان فرودستی است که به تنهایی سرپرست خانواده اند، زنان شاغل در کارگاه های زیر زمینی و زنان کارگر شاغل در کارگاههای کوچک 5 و 10 نفره بدون پوشش قانون کار، بخش خدمات و کارهای پست خانگی که همواره در معرض سوء استفاده و تحقیر اند، زنانی که خیابان را به عنوان عرصه برای بیان مطالبات خود برگزیده اند مگر این فریادها به جز فریاد این زنان اند: زنان پرستار و معلمی که در بدترین شرایط استخدامی مشغول به کارند، زنان کارگری که به بدترین شکل استثمار میشوند و گاه حتی نه تنها از حقوق بدیهی شغلی خود محرومند بلکه مورد آزار جنسی کارفرما قرار می گیرند، زنانی که برای امرار معاش روزانه خود و خانواده خویش ناگزیر از تن فروشی اند و در فقدان کامل امنیت و بی حقوقی مطلق و تحقیر دائمی قرار دارند و از جانب شرع، دستگاه های سرکوب و عاملان اینهمه نکبت و بدبختی مدام تحت تعقیب و محکوم به مرگ اند.

فریادی که بلند شده فریاد زنانی است که در فقر، فقدان کار، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی گرفتارند، آنانی که به کار ارزان کم اهمیت یکنواخت و بدون امکان ارتقای مهارت و ارتقای شغلی مشغولند، این خروش و فریاد زن کارگر نیشکر هفت تپه است که در مقابل کارفرمایان و دولت کارفرما کوتاه نمی آید و همطیفه ایهایش را به مبارزه و مقاومت تشویق میکند، صدای زنانی که همدوش همسران کارگیشان به اعتراض و اعتصاب می پردازند و جاده ها را بر اوباشان و سرکوبگران سرمایه می بندند. فریاد مبارزات زنان زندانی همچون آتنا و ماهرخ است که با اعتصاب غذا و مقاومتشان پیامشان را به دیگر زندانیان میرسانند. فریاد مادران مبارز خاوران و پارک لاله است که با جمع شدن در مقابل زندان ها و دادگاه ها خواب راحت را از جنایتکاران سرمایه می ربایند. فریاد مبارزات دختران دانشجو، پرستاران، زنان بازنشسته ایی است که سالها است در صحنه مبارزه اند و هر بار مصمم تر به میدان آمده اند.

فریاد این زنان مبارز، فریاد انسانهایی است که طعم استثمار جنسی و طبقاتی را با تمام وجود خود لمس کرده اند، این فریادها بازتاب محرومیت‌هایی است که ریشه در مناسبات سرمایه داری دارد که بر اساس منافع اقتصادی طبقه‌ای خاص، روابط انسانی را شکل می‌دهند. در این نظام نابرابر زنان همواره با دیوار بلندی از عقاید، سنت‌ها و قوانین دولتی روبرو هستند که با پافشاری بر تولید، بازتولید و تداوم ارتجاع، استعدادها و توانایی‌های آنان را به سخره می‌گیرند. بهمین دلیل است، که این فریادها در کلیت خود، همت به نابودی نظام سرمایه داری بسته است و توهمی به این جناح و آن جناح درون حکومتی ندارد.

این جنبش به میدان آمده خودجوش که به اشکال مختلف به مبارزه ادامه می‌دهد، نیاز به متشکل شدن دارد. هر چند سمت و سوی گرفتن آن به آرامی صورت می‌گیرد. فراخوان دادن به برگزاری مراسم 8 مارس امسال بعد از 8 مارس 57 خود نقطه عطف مهمی در رشد و بدرجه ایی تشکل یابی جنبش زنان است. زنان کارگر که بخشی از جنبش زنان را تشکیل می‌دهند و بخشی از جنبش کارگری هستند، در این تشکل یابی نقش مهمی را ایفاء خواهند نمود. بویژه با تحرک‌هایی که در رابطه با برپائی مراسم 8 مارس امسال در پیش رو است و قطعنامه‌هایی با خواسته‌های پایه‌ای زنان مطرح شده، می‌تواند روند متشکل شدن را تسریع بخشد.

امروزه خواسته زنان در مبارزات، دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی اجتماعی و دستیابی به حقوق انسانی می‌باشد. این خواسته‌ها تنها با محور مالکیت خصوصی و در سیستمی که مبتنی بر تولید و توزیع اجتماعی بوده و نفعی در استثمار زنان نداشته باشد می‌تواند تحقق یابد و تنها، جنبش کارگری است که می‌تواند چنین افقی را پیش روی زنان قرار دهد. مبارزه طبقاتی جنبش کارگری و رشد رو بجلو آن تنها می‌تواند تضمین کننده تحقق مطالبات زنان باشد.

روز جهانی 8 مارس ، پیش بسوی متشکل شدن و تقویت اتحاد جنبش زنان با جنبش کارگری در ایران.

4 مارس 2018

جنبش رزمنده زنان به پیش!

**مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
پیروز باد سوسیالیسم**

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

<http://nahadha.blogspot.com>

nhkommittehamahangi@gmail.com